**(15) تعلیم و تربیت واجب و ضروری**

**اهمیت تربیت اطفال**

* قلم اعلی کلّ را وصيّت ميفرمايد بتعليم و تربيت اطفال (حضرت بهاءالله، اشراقات، اشراق هفتم)
* كتب على كلّ أب تربية ابنه وبنته بالعلم والخطّ ودونهما عمّا حدّد في اللّوح والّذي ترك ما أمر به فللأمنآء أن يأخذوا منه ما يكون لازما لتربيتهما إن كان غنيّا وإلاّ يرجع إلى بيت العدل إنّا جعلناه مأوى الفقرآء والمساكين إنّ الّذي ربّى ابنه أو ابنا من الأبنآء كأنّه ربّى أحد أبنآئي عليه بهآئي وعنايتي ورحمتي الّتي سبقت العالمين (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 48)
* علّموا ذرياتكم ما نزّل من سمآء العظمة والاقتدار ليقرئوا ألواح الرّحمن بأحسن الألحان في الغرف المبنيّة في مشارق الأذكار (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 150)

**تفاوت اخلاق در نتیجه تفاوت تربیت است**

* تفاوت اخلاق من حيث التّربية اين بسيار عظيمست زيرا تربيت بسيار حکم دارد نادان از تربيت دانا شود جبان از تربيت شجاع گردد شاخه کج از تربيت راست شود ميوهای کوهی جنگلی تلخ و گز از تربيت لذيذ و شيرين گردد گل پنج پر از تربيت صد پر شود امّت متوحّشه از تربيت متمدّن گردد حتّی حيوان از تربيت حرکت و روش انسان يابد اين تربيت را بايد بسيار مهمّ شمرد زيرا امراض همچنانکه در عالم اجسام بيکديگر سرايت شديده دارد بهمچنين اخلاق در ارواح و قلوب نهايت سرايت دارد اين تفاوت تربيت بسيار عظيمست (حضرت عبدالبهاء، مفاوضات، نز)

**تربیت بر سه نوع است: تربیت جسمانی، تربیت انسانی و تربیت روحانی**

* تربيت جسمانی بجهت نشو و نمای اين جسم است و آن تسهيل معيشت و تحصيل اسباب راحت و رفاهيّت است که حيوان با انسان در آن مشترکند . و امّا تربيت انسانی عبارت از مدنيّت است و ترقّی يعنی سياست و انتظام و سعادت و تجارت و صنعت و علوم و فنون و اکتشافات عظيمه و مشروعات جسيمه که مدار امتياز انسان از حيوان است . و امّا تربيت الهيّه تربيت ملکوتيست و آن اکتسابات کمالات الهيّه است و تربيت حقيقی آنست زيرا در اين مقام انسان مرکز سنوحات رحمانيّه گردد و مظهر )لَنَعْمَلَنَّ اِنْسَاناً عَلَی صُورَتِناَ وَ مِثَالِنَا ) شود و آن نتيجه عالم انسانی است . حال ما يک مربّی ميخواهيم که هم مربّی جسمانی و هم مربّی انسانی و هم مربّی روحانی گردد که حکم او در جميع مراتب نافذ باشد . و اگر کسی بگويد که من در کمال عقل و ادراکم و محتاج بآن مربّی نيستم او منکر بديهيّات است مثل طفلی که بگويد من محتاج تربيت نيستم بعقل و فکر خود حرکت می نمايم و کمالات وجود را تحصيل ميکنم و مثل آنست که کوری گويد من محتاج بچشم نيستم چونکه بسيار کوران هستند که گذران ميکنند . پس واضح و مشهود است که انسان محتاج به مربّی است (حضرت عبدالبهاء، مفاوضات، ج)

**دو رکن فلاح و نجاح عالم انسانی**

* مدنيّت بر دو قسم است مدنيّت عالم طبيعت و مدنيّت عالم حقيقت که تعلّق بعالم اخلاق دارد و تا هر دو در هيئت اجتماعيّه جمع نشود فلاح و نجاح حاصل نشود. ملاحظه نمائيد که در جهان اروپ مدنيّت طبيعيّه خيمه بر افراخته و لکن چقدر تاريک است جميع افکار متوجّه منازعهء در بقاست هر روز تجديد سلاح است و تزييد مواد التهاب آرام بکلّی منقطع و نفوس در زير بار گران ذلّت و حيران زيرا مدنيّت اخلاق و روحانيّت و انجذاب بنفحات الله بکلّی مفقود. باری همچنانکه در عالم طبيعت مربّی لازم همچنين در عالم حقيقت يعنی عالم جان و وجدان و شيم و اخلاق و فضائل بی پايان و کمالات حقيقی عالم انسانی و سعادت دو جهان معلّم و مربّی واجب. مؤسّس مدنيّت طبيعی فلاسفهء ارضند و معلّم مدنيّت حقيقت مظاهر مقدّسهء الهيّه اند. لهذا اگر عالم انسانی از مربّی طبيعی و مربّی حقيقی محروم ماند يقين است باسفل درکات عالم حيوانی مبتلا گردد. و مدنيّت طبيعی مانند زجاج است و مدنيّت الهی مانند سراج مدنيّت جسمانی مانند جسم است و مدنيّت الهی مانند روح اين زجاج را سراج لازم و اين جسد را روح واجب. رسالهء جالينوس حکيم را مطالعه نما که در ترقّيات مدنيّت عالم انسانی تأليف نموده. ميگويد عقائد دينيّه اعظم وسائط عالم مدنيّت و انسانيّت است چنانکه در اين زمان ملاحظه ميکنيم گروهی را که مسيحيانند چون در عقائد دينيّه ثابت و مستقيمند عوام اين فرقه فيلسوف حقيقی هستند زيرا باخلاق و اطواری مزيّنند که اعظم فيلسوف بعد از زحمت و سلوک و رياضت سنين کثيره تحصيل مينمايند عوام اين فرقه در نهايت کمال بفضائل متجلّی هستند (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 159 )

****